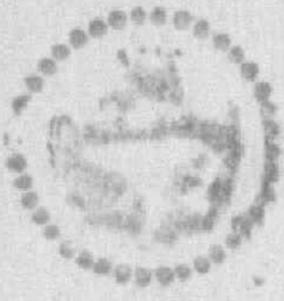


۸



کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University

رشوه خواری

مأمورین دولتی

و نان توده

کتابخانه مرکزی، مرکز اسناد
و تامین منابع علمی



رشوه خواری

مأمورین دولتی

و نان توده

یکی از مهمترین مسائل یکی از مسائل حیاتی امروز ما مسئله نان توده است - روزی نیست که بسیاری از هم میهنان بد بخت ما از گرسنگی تلف نشوند در حالیکه صدها هزار نفر ایرانی با ملخ و حشرات دیگر و یا پوست درخت شکم گرسنه خود را سیر میکنند.

این قحطی ناشی از چیست؟ آیا ایران که کشور است فلاحتی کمبود غله دارد... در کشور ما در همین ساعت باندازه کافی غله موجود است و اگر کمبود مختصری هم وجود داشته باشد متفقین این کمبود را طبق اطلاعات صحیحی که در دست داریم تا کنون تأمین نموده و در آتیه نیز تأمین خواهند نمود. پس علت این قحطی چیست؟ علت اصلی این قحطی همان مرض خانمانسوزیست که خانه ما ایرانیان را ویران کرده و کشور ما را بیاد داد - علت قحطی امروز رشوه خواریست - رشوه خواری مأمورین جزء و عالیرتبه دولتی - رشوه خواری در ادارات و وزارتخانه های ما.....

هر دولتی که تمام قوای خود را در درجه اول صرف ریشه کن کردن این مرض خانمانسوز بکنند آن دولت ولی فقط آن دولت ایرانی نامیده و ایرانی شناخته خواهد شد.

بطوریکه در سطور زیرین ملاحظه خواهید فرمود نکبت رشوه خواری در زمان نخست وزیری آقای سهیلی بدرجه شدت پیدا کرده بود که تا آن موقع هیچ سابقه نداشته و حتی در سیاه ترین ادوار تاریخ ما نظیر آن دیده نشده بوده است - ما امیدواریم که دولت فعلی موفق به برانداختن عادت شوم رشوه گیری شده و در این راه قدمهای بزرگی بردارد.

منظور از انتشار این کلمات اینست که توده را بکمک با دولت فعلی دعوت نمائیم تا دولت و ملت متفقاً در راه نیل باین مقصود عالی و برانداختن مرض رشوه گیری اقدامات مؤثری بعمل آورد - در سطور زیر عین اخباری که راجع بطرز تأمین نان یک قسمت از توده (کارگران جاده سازی) رسیده است از نظر خوانندگان میگذرانیم.

پس از عقد قرارداد اتفاق بین دولت ما و دولتی انگلستان و روسیه شوروی انگلیسها طبق مفاد قرارداد فوراً شروع به ترمیم و توسعه جاده ها در سرتاسر کشور ما کردند و طولی نکشید که از طرف انگلیسها و یا بنگاه کامپساکس

در حدود هفتاد هزار نفر کارگر ایرانی برای جاده سازی استخدام شدند - نظر باینکه قسمت اعظم این کارگران در بیابانهای بی آب و علف و دور از هر گونه آبادی مشغول کار بوده و هستند و هیچ وسیله برای بدست آوردن آذوقه ندارند لذا کارفرمایان یعنی انگلیسها و یا کامپساکس خود را موظف دیدند تهیه نان کارگران را خود بعهده بگیرند و برای این منظور دو فقره قرارداد بین دولت آقای سهیلی و سفارت انگلیس یا بنگاه کامپساکس (تعیین طرف دیگر عقد قرارداد بطور تحقیق برای ما میسر نشد) امضاء شد.

طبق مفاد قرارداد اولی دولت ما متعهد بود مقدار معینی گندم و جو از قرار تنی چهار هزار ریال یعنی یک من دوازده ریال (بهای جو و گندم در این قرارداد بیک میزان معین گردید) تحویل دهد و مقدار مصرّحه تحویل شده است ولی برای ما ایرانیان خیلی موجب خجالت و شرمندگی است که خارجیان متفق الرای بگویند که بدون داد رشوه بمأمورین جزء و عالی رتبه دولتی غله تحویل داده نمیشد و اگر در بعضی موارد مأمورین بیگانگان ازدادن رشوه خودداری مینمودند مأمورین دولتی غله ایرا که برای هم میهنان خود ما تحویل میدادند با همه گونه اشغال مخلوط نموده و گندم

حاصله از این جنایت را بعنوان باج سبیل بجیب میزدند .
 در بعضی موارد این مأمورین دولتی حتی کوشش داشته اند
 اصولاً بجای گندم و جو آشغال و کثافات تحویل بدهند و فقط
 اعتراض سخت مأمورین بیگانگان مانع از این شده است که
 این ایرانیان بکارگران بدبختی که در بیابانها در زیر آفتاب
 سوزان زجر بی پایان میکشند از قرار یکمن ۱۲ ریال آشغال
 تحویل بدهند .

با این حال مأمورین دولتی گویا معتقد بودند که این
 قرارداد اولی بد تنظیم شده و باندازه کافی باج سبیل و حق و
 حساب عاید آنها نمیشود و بنا بر این قرارداد دومی طور دیگری
 تنظیم شده بدین معنی که دولت ایران بطرف دیگر قرارداد اجازه
 داده توسط مأمورین مخصوص خود در شهرستانهای کردستان -
 کرمانشاه - همدان و اصفهان بمیزانیکه دولت پابین مأمورین
 پروانه میدهد مستقیماً غله خریداری نمایند . بهای خرید غله
 در این قرارداد کمی کمتر از بهای رسمی دولتی و حداکثر
 همان بهای رسمی دولتی تعیین شده است .

حال ببینیم این قرارداد دومی چطور اجرا گردید .
 اولاً از شهرستان کرمانشاه قرار بوده است پانصد تن
 غله خریداری شود ولی در عمل گویا خریدی در کرمانشاه

صورت نگرفته است زیرا پس از آنکه مأمورین مخصوص اقدامات
 مقدماتی را با تمام رسانده و وجه برای انجام معامله وصول
 گردید رئیس اداره دارائی محل با خرید غله توسط مأمورین
 مخصوص مخالفت نموده باین عنوان که شخصیکه برای فروش
 این مقدار غله در نظر گرفته شده بود نامش در فهرست سیاه
 میباشد یا بعبارت دیگر فروشنده این مقدار غله احساسات
 دوستی نسبت بممل محور دارد حال باید از رئیس اداره دارائی
 کرمانشاه سؤال نمود ولو اینکه جنابعالی شخصاً مخالف محور
 باشید آیا مصالح کشور ما ایجاب میکند در موقعیکه هزاران
 ایرانی بعالت نداشتن نان در شرف از بین رفتن میباشد فلان
 ملاکی که فرضاً دارای احساسات دوستی نسبت بممل محور
 میباشد غله اش فاسد شده و بی مصرف بماند و یا اینکه از
 طریق قاچاق بعراق عرب صادر گردد . ؟

ثانیاً در کردستان که هنوز مقدار زیادی غله یعنی
 شاید در حدود ۶۰۰۰ خروار از محصول سال گذشته باقی مانده
 و موجود میباشد انگلیسها فقط موفق گردیده اند ۵۱۰ الی
 ۵۴۰ خروار غله برای کارگران جاده سازی خریداری نمایند
 زیرا رئیس اداره دارائی محل مقرر کرده بود فقط اشخاصیکه
 از طرف خود او بفروشنندگان معرفی میشوند حق خواهند

داشت بحساب انگلیسها غله خریداری نمایند و منظور از این دستور این بوده است که نمایندگان انگلیسها خودشان يك يك بدفتر آقا مراجعه نموده و با پرداخت مبلغ گزافی رشوه (۵ الی ۷ تومان برای هر خروار) اجازه بگیرند يك مقدار حتی المقدور کمی گندم به بهای حتی المقدور زیادی خریداری کنند - مقدار غله تحویلی و بهای آنرا رئیس دارائی محل رأساً تعیین مینموده است ضمناً کراراً مشاهده شده که اگر بيك نفر فروشنده اجازه داده میشد مثلاً بیست تن گندم تحویل مأمورین انگلیسها بدهد فروشنده تحت عنوان فروش بانگلیسها لا اقل ده مقابل مقدار نامبرده گندم بعراق فروخته و از طریق قاچاق صادر مینموده است و البته لازم بتذکر نیست که فروشنده گندم قاچاق و حمل کننده و خریدار آن معروف حضور رؤسای دارائی محلهای مربوطه بوده و هستند - من باب مثل رئیس دارائی سنندج کراراً بطور صریح اظهار داشته است که او تمام اشخاصی را که معامله گندم قاچاق با عراق عرب میکنند شخصاً میشناسد - لازم بیادآوری نیست که ما در کردستان نه فقط هزاران مأمور کشوری داریم بلکه فرمانده لشکر هم در آنجا بوده و فرمانده سپاه غرب هم در کردستان میباشد - جای تردید نیست که این مأمورین میتوانند ولی

نمیخواهند از قاچاق گندم جلوگیری کنند.

در سنندج يك نفر ارمنی مأمور بوده است مقداری گندم برای کارگران جاده سازی خریداری نماید ولی چون پروانه ای که در دست داشته برای آن دهی که در آن جا اقدام بخريد نموده بود صادر نشده بود است مأمورین دولتی نه فقط گندم خریده شده را ضبط کردند بلکه فروشنده را نیز بزندان انداختند و دائماً مزاحم کاروانهایی میشدند که گندمهای خریداری توسط مأمورین انگلیسها را به انبار یا بمقصد حمل میکرده است يك مثل دیگر برای اینکه ثابت شود تا چه اندازه مأمورین دولتی باجان کارگران ایرانی بازی میکنند و حیات هم میهنان خود را ناچیز می شمارند پس از آنکه رئیس دارائی سنندج پروانه فروش ۵۲۵ خروار گندم بمأمورین انگلیسی و یا کاهپسا کس داده و نام فروشنده گان را تعیین نموده بود و مأمورین مربوطه مقدار گندم نامبرده را خریده بودند همان رئیس دارائی حمل گندم خریده شده را غدغن نمود بعنوان اینکه وزارت دارائی اجازه حمل گندم را نداده است بالنتیجه مأمورین مربوط تلگرافاً بمرکز مراجعه نموده و وزارت دارائی در تاریخ اجازه میدهد گندم خریداری شده را حمل نمایند ولی در این موقع

بعضی از افسرانی که در مقابل خارجیان آبروی ارتش ما را میبرند مداخله نموده و تمام وسایل نقلیه حتی الاغ و قاطر و شتر و گاو را بعنوان اینکه برای احتیاجات نظامی لازم است باز داشت میکنند این طور مأمورین کشوری و لشکری ما با جان کارگران مظلوم ایرانی بازی میکنند فقط برای اینکه استفاده شخصی خود را تامین کنند.

ثالثاً در همدان بموجب اجازه پیشکار داری ۴۵۰۰ خروار گندم برای کارگران جاده سازی خریداری شده است در موقع خرید اشکالات زیادی مشاهده شده ولی بمحض اینکه حمل کالا شروع گردید هر دستگاه اتومبیل و هر کاروان حامل گندم بموجب دستور همان پیشکار داری که اجازه خرید گندم را صادر نموده بود متوقف و نگاهداری میگردد تا بالاخره بطوری که از قرائن معلوم میشود کنسول انگلیس دخالت نمود و پس از اثبات اینکه گندمهای مورد بحث جهت کارگران جاده سازی ایرانی خریداری شده و حمل میشود و ربطی به محتکرین و سفته بازها (که مورد حسن توجه مخصوص مأمورین دولتی میباشد) ندارد دستور داده میشود از حمل گندمها ممانعت نشود ولی در عین حال صاحبان وسایط نقلیه از طرف مأمورین دولتی سخت مورد تهدید قرار

داده شده و بآنها گفته میشود که چنانچه مأمورین دولتی را راضی نکنند . . . کار آنها عاقبت نخواهد داشت و چون مأمورین دولتی باندازه اشتها دارند که هیچوقت راضی نمیشوند لذا صاحبان وسایط نقلیه بحکم اجبار و از ترس جان خود از کار دست میکشند ضمناً پیشکار مالیه بدون هیچگونه بیم و ترس بملاکین مخفیانه دستور میداده از فروش غله و مخصوصاً از فروش جو جهت کارگران جاده سازی خودداری شود و بدین وسیله میزان معاملات را بحداقل محدود بنمایند. از طرف دیگر با وجود اینکه خریداران از طرف وزارت داری اجازه داشته اند هر چقدر که لازم دارند گندم و جو خریداری کنند با وجود این رئیس داری همدان کوشش میکرده آنها را مجبور نماید غله خریداری را تحویل اداره داری محل بنمایند. این مزاحمت پیشکار مالیه همدان باعث میشود که از قرار معلوم مجدداً کنسول انگلیس در این امر مداخله نماید و آقای پیشکار مالیه را بوظائف خود آشنا نماید

حال باید فهمید چطور رئیس مالیه همدان میتواند است بخود اجازه دهد برخلاف دستور وزارت داری اوامری صادر بکند.

برای روشن شدن این موضوع بتذکار همین يك نکته

اكتفاميشود . كه دستور وزارت دارائى دابر بر اينكه انگليسها و يا كامپساكس مجاز هستند براى كارگران جاده سارى ايرانى غله خريدارى بكنند بهماهى نامه از طرف وزارت دارائى ارسال شده بوده است و در ضمن آن نامه اشعار داشته بودند كه رؤساء دارائى موظف هستند در امر خريد غله نظارت كامل و دقيق بكنند و بطوريكه بعداً معلوم و ثابت شده رؤساي دارائى از جمله نظارت كامل و دقيق سوء استفاده کرده و بنبفع خود چنين نتيجه گرفته اند كه خريد غله را غير ممكن بكنند و يادر هر حال بحد اقل ممكنه محدود سازند وزارت دارائى وظيفه داشت اطلاعات كامل بدست آورد و باین جهت در طى نامه خود در باره نظارت در امر خريد غله اصرار ورزیده بنا بر این وقتى بر رؤساء دارائى گفته ميشود بكارگران ايرانى نان بدهند آقاىان رؤساء بترتيب زير انجام وظيفه ميکنند .

اجازه خريد غله بخريدار داده ميشود خريدار بخريد غله مبادرت ميکند . پس از انجام معامله رئيس دارائى غله را از خريدار پس ميگيرد و در تمام اين مدت باندازه خريدار را اذيت ميکنند كه بيچاره از جان خود سير ميشود

اکنون خوانندگان ما قطعاً از خود سؤال خواهند کرد چطور ممكن است ملاکين و زارعين و يا صاحبان وسايط

نقلیه حاضر شده باشند اين طور جان كارگران ايرانى آلت دست مفتخواران قرار گيرد

در پاسخ بايد متذکر شويم كه رؤساء دارائى محلهای مربوطه ضمن دستورات ضد و نقیضی كه راجع بفروش غله صادر ميکردند اساساً بمنظور ايجاد اضطراب و مشوش ساختن اذهان عامه و فریب دادن آنها يك سلسله دروغهای پخش و منتشر ميکردند كه نظير آن تا بحال فقط در مجالس پرورش افكار عصر شلاقى شنیده شده . براى مثال چندتا از اين دروغها ذیلا براى اطلاع خوانندگان ذکر ميگردد .

در همدان آقای خونسارى رئيس دارائى در رأس اين تبليغات دروغ قرار گرفته و روش او عبارت از اين است كه مامورين مخصوص بدهات اعزام و توسط آنها بزارعين ابلاغ مينمايد كه گندمی كه توسط مامورين انگليسها و يا بنگاه كامپساكس خريدارى ميشود جهت كارگران ايرانى نبوده بلكه معلوم نيست براى چه مصرف تهيه ميشود و بنا بر اين اگر چنانچه صاحبان غله بمامورين مورد بحث گندم و يا جو بفروشند آقای خونسارى آنها را بجامعه دشمن ميهن معرفى خواهد نمود ضمناً خود مامورين اعزامى خونسارى تلگرافاتى مبنى براظهار شكايت از مامورين بيگانگان به خونسارى منخابره

مینمودند. مثلا از سنقر تلگراف شده بود که چون انگلیسها تمام موجودی غله را خریده و برده اند لهذا دیگر هیچ گندم و یا جو در محل وجود ندارد و اهالی بی نان مانده اند بطوریکه بعدا بخود آقای خونساری با اسناد و مدارك لازمه ثابت شده است در سنقر از طرف انگلیسها و یا کامپسا کس حتی يك سیر غله هم خریداری نشده بوده است.

در این جا باید از خونساری و امثال او سؤال کرد اگر غله خریداری از طرف انگلیسها برای کارگران جاده سازی نیست پس هفتاد هزار نفر کارگر جاده سازی ایرانی از چه مجلی نان میخورند زیرا خونساری و امثال او بخوبی اطلاع دارند و کاملا مستحضر هستند که در تمام مدت ریاست وزرائی سخیلی دولت ما با اظهار تاسف از اینکه نمیتواند نان بکارگران جاده سازی برساند بی درپی از انگلیسها خواهش مینمود غله لازمه را خود آنها در ولایات خریداری نموده و فراهم سازند در هر حال رؤسای دارائی از یکطرف مامورین مخصوص بدهات اعزام و بزارعین دستور میداده اند غله بمامورین بیگانگان نفروشدند و از طرف دیگر در شهرها آرد بسیار بد و بمقدار غیر کافی بنانواها میداده و توسط مامورین مخفی در شهرها انتشار میداده است که چون بیگانگان تمام گندم

موجوده حتی موجودی انبار های دولتی را برده اند ناچار گندمی نیست که برای نان اهالی توزیع شود این موضوع نشان میدهد تاچه اندازه از مامورین عالی دارائی گرفته تا کوچکترین آنها برای استفاده های نامشروع شخصی حیات توده بدبخت ایرانی را بمخاطره انداخته و از مقام خود سوء استفاده میکنند

رابعا اطلاعات واصله از اصفهان هنوز کافی نیست معینا احتمال قوی میرود که وضعیت آنجا هم شبیه وضعیت سایر شهرستانهایی که در فوق ذکر آت رفت باشد

خامسا از لحاظ حیل و تزویر در امر تهیه غله جهت کارگران جاده سازی بلا تردید مامورین دولتی در اراک نسبت به همقطاران خود در سایر شهرستانها گوی سبقت را ر بوده اند و واقعا از این لحاظ شایسته است بر رئیس دارائی اراک پیاس خدماتی که در راه بریدن نان توده انجام داده است يك قطعه مدال درجه يك همایون اعطاء گردد

چگونگی اوضاع اراک بشرح زیر بوده است :

پس از مذاکرات مفصل در اراک تصمیم بر این گرفته میشود که گندم خریداری برای کارگران جاده سازی اعم از اینکه بحساب انگلیسها و یا بحساب کامپسا کس خریداری شده

باشد تحویل انبار های دولتی گردد تا در آنجا نگاهداری و متدرجاً بمیزان احتیاجات از انبارها خارج و بمصرف برسد ضمناً قبل از اینکه این تصمیم اتخاذ شود آشنیانی یکی از مأمورین ویژه وزارت دارائی دستور صادر کرده بود گندمهایی که در سلطان آباد و در ساروق برای کارگران توسط انگلیسها و یا کامپساکس خریداری شده بود ضبط و تحویل انبارهای دولتی گردد - متأسفانه پس از آنکه گندمهای خریداری شده تماماً تحویل انبارهای دولتی شد آقایان رؤساء دارائی بجای آنکه نان بکارگران بدهند گندم را بین خود تقسیم کرده و بمحتکرین و سفته بازان فروختند .

ولی خوش رقصی آقایان بهمین جا خاتمه پیدا نکرد بطوریکه قبلاً هم گفتیم انگلیسها و کامپساکس جهت کارگران جاده سازی بموجب اجازه مخصوص وزارت دارائی و رؤساء دارائی محل گندم خریداری میکردند - منتهی در مورد اراک تصمیم گرفته میشود گندم خریداری شده در انبارهای دولتی نگاهداری شود - نکته شنیدنی اینجاست که موقعیکه بموجب این تصمیم مأمورین دولتی این گندمها را بانبارهای دولتی حمل میکردند يك سلسله نمایشات لوس و خنکی هم در شهر ترتیب داده و بگوش مردم میگفتند این گندمها از سارقین

و دزدان گرفته شده و مأمورین دولتی پس از سعی و کوشش بسیار که با خطر جانی توام بود . . . بالاخره موفق گردیدند نان توده را از دست دزدان و محتکرین گرفته و بشهر بیاورند . در همان موقعیکه طبق دستور مأمورین دولتی این نمایشات در شهر داده میشد همین مأمورین در منازل خود یله داده و با سفته بازان و محتکرین تکلیف گندم وارده بانبارها را معلوم مینمودند و درضمن کارگران جاده سازی در بیابانهای بی آب و علف و سنگلاخها گرسنه مانده بودند .

آیا پستی و بی وجدانی تا این درجه قابل تصور است ؟ اینک ما بخود اجازه میدهیم از مأمورین دولتی راجع به موضوع تهیه گندم برای کارگران جاده سازی سوالاتی بکنیم . پس از ضبط گندمهای خریداری در اراک و ساروق و قبل از اینکه این گندمها تحویل انبارهای دولتی شود ۲۲۵ خروار آن مفقود گردید - آقایان مأمورین دارائی ! این ۲۲۵ خروار گندم پر در آورد و باسماں برید ؟ ما یقین داریم رئیس دارائی اراک که صادر کنند دستور مفقود شدن این ۲۲۵ خروار گندم بوده و ما حاصل آنرا بجیب کثیف و گشاد خود زده است بخوبی میتواند از جزئیات این موضوع توده را آگاه سازد .

موضوع دیگر.... تا کنون تقریباً در تمام مواردی که غله بوسیله راه آهن دولتی از نقطه به نقطه دیگر فرستاده شده است بین وزن بار در ایستگاه مبدأ و وزن آن در ایستگاه مقصد لااقل بمیزان ۱۰٪ وزن کل تفاوت مشاهده شده است ما از کارگران مربوطه وزارت دارائی و راه آهن ایران استدعا میکنیم چگونگی این موضوع را باطالع عامه برسانند. (طبق اطلاعاتی که ما کسب کرده ایم در سرهمین مقدار گندم مفقود شده بین کارمندان وزارت دارائی و بنگاه راه آهن اختلافاتی حاصل گردیده و کارمندان وزارتخانه و بنگاه بر سر این موضوع از یکدیگر شکایاتی دارند).

هم میهنان رشوه خواری مأمورین دولتی ما ایرانیان را حقیر و بیچاره کرد - آبرو و حیثیت ما را برد و کشور ما را آباد داد اگر قرار است کشور ما و فرداً فرد ما روزهای بهتری به بینیم باید همه دست بدست هم داده و دولت را مجبور سازیم مقدمات ریشه کن نمودن این مرض خانمانسوز را فراهم سازد.

تا من مسئولیت امور را بر عهده
دارم از مجازات ارتشاء و اختلاس
و فساد و نفاق مأمورین نمیگذرم
(قوام السلطنه)